





خشونت، خشونت می‌زاید

دکتر امان‌ا.. قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس

پدیده چاقوکشی در ابتدا خصلتی مردانه بود و برخی مردان مرتکب آن می‌شدند اما در حال حاضر و بنا به عوامل متعدد خانوادگی، ارتباط با برخی همسالان، مسائل تقویتی، آموزشی و پرورشی و همچنین فضای مجازی، برخی دختران مستعد برای انجام اقدامات شرورانه هم به این سمت و سو کشیده شده‌اند. براساس تئوری جامعه‌شناسی کورت لوین، میدان زندگی ما به دلیل این‌که از در و دیوار خشونت فوران می‌کند، مستعد انواع خشونت‌ها است. برخی دختران هم که در محیط پرتنش زندگی می‌کنند از این فضا الگو می‌گیرند و خشونت‌طلب می‌شوند. این‌گونه دختران معمولا در محلات مناسبی زندگی نمی‌کنند و محیط زندگی آنها اغلب درگیر وجود انواع جرم‌ها و خشونت‌ها است. گرچه حتی در مناطق مرفه‌نشین بالای شهر هم ممکن است دخترانی دیده شوند که چاقو حمل یا استفاده کنند اما موارد آن چشمگیر نیست. ضمن این‌که در جامعه ما به مقوله شادی بسیار بی‌توجهی می‌شود. دختران ما نه‌تنها شاد نیستند، بلکه از هر طرف تحت فشار و قید و بند هستند و فشار روحی و روانی که از هر طرف به آنان وارد می‌شود، چند برابر فشاری است که به پسران وارد می‌شود. براساس تئوری «چرخش خشونت»، بر اثر خشونت، خشونت زاییده می‌شود. سعدی علیه‌الرحمه می‌فرماید: «گر بگوییم که مرا با تو سر و کاری نیست، در و دیوار گواهی بدهد کاری هست». بنابراین تنها یکی از نتایج فوران خشونت از در و دیوار جامعه، ظهور پدیده دختران چاقوکش است و تا زمانی که عوامل ایجاد خشونت در جامعه رفع نشود، مطمئن باشید شرایط نه‌تنها بهتر نمی‌شود که بسیار هم بدتر خواهد شد.

سوثر در بروز خشونت

یکی از وجوه مشخصه جامعه ما در سال‌های اخیر، خشونت است که به شکل‌های مختلف وجود دارد و آمار بالای پرونده‌های قضایی نیز موید این نکته است. ت روانی و اجتماعی، کاهش ارتباطات کیفی در خانواده، کاهش یکسو و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نداشتن بت به آینده، احساس اطمینان کم نسبت به اجرای صحیح نی شدن فرآیند دادرسی برای دریافت حقوق، فقدان یا ضعف ارتباطی، مهارت کنترل خشم و حل مسأله، تجارب قبلی افراد ی به خشونت به حق خود می‌رسند، احساس تبعیض و تضییع ق داشتند یا نداشتند)، از جمله عواملی است‌که در ایجاد و برگذار است. افرادی‌که در سنین جوانی یا نوجوانی سبک می‌کنند، دلایل متعددی برای انتخاب خود دارند که می‌توان ، قدرت‌نمایی، تخلیه خشم و ترس از شکست اشاره‌کرد. افراد مایل دارند روی دیگران تسلط داشته باشند یا به خواسته‌های ند، معمولا مسیر خشونت را با قمه به دست گرفتن، تهدید، ب‌زنی برای دستیابی به نیازها انتخاب می‌کنند.

و اجتماعی جامعه مطلوب نیست. براساس آخرین آمارهای افراد جامعه، حداقل از یک اختلال روانی رنج می‌برند و با این که منتظر بروز خشونت در جامعه باشیم. سیل، زلزله، کرونا، اهش فرصت‌های ابراز وجود، واقعیت‌هایی است که نمی‌توان فضای مجازی، جایی بود که افراد خود را تخلیه می‌کردند، شونت خود را به شکل‌های مختلف مانند کامنت‌گذاری یا هند اما در شرایط فعلی، تمام فرصت‌های تخلیه هیجان از ت. از چهار ماه زمان مدرسه، بچه‌ها فقط ۳۸ روز در مدرسه حضور داشتند و قبل از آن هم، دو سال را درکرونا سپری کرده‌اند. در چنین شرایطی کجا فرصت ابراز وجود داشته‌اند؟ درگذشته در خیابان و محله بازی می‌کردند، الان این امکان هم وجود ندارد. فضای خانواده هم دیگر آن فضای گرم و صمیمی قدیم که بچه‌ها در آن از محبت سیراب می‌شدند، نیست. در چنین وضعیتی، ظهور و کاهش سن خشونت عجیب نیست.

در این شرایط منطقی‌ترین راه برای حفظ سلامت روان این است که روی مهارت‌های خودمراقبتی کارکرده و جز حرفه اصلی، خود را مشغول انجام کارهایی کنیم که به ما انرژی دهد. نمی‌خواهم همه را به خودمراقبتی توصیه کنم، زیرا فردی که به استیصال رسیده و امیدی ندارد، ممکن است به این پیشنهاد بخندد اما نباید فراموش‌کرد که در فشار، بحران و شرایط نارضایتی باید از سلامت خود مراقبت کنیم تا سلامت‌مان بیش از این خدشه‌دار نشود.

یک بخش دیگر به حکام برمی‌گردد. مردم انتظار درستی دارند که وضعیت فعلی اقتصادی و فقدان چشم‌انداز، زیبنده جامعه ایرانی با این همه ظرفیت بالقوه و بالفعل در این موقعیت ژئوپولیتیکی و نخبگانی که داریم، نیست. این انتظار، پاسخ و اقدام موثر می‌خواهد تا مردم در زندگی خود تجربه کنند. نوجوان امروز ما، آگاه‌تر، مطالبه‌گر، مقایسه‌گرتر و پرسشگر است. من این حق را به نوجوان نمی‌دهم که قمه به دست بگیرند اما اینها نشانگانی هستند که من به عنوان مددکار اجتماعی، روانشناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان دیگر رصد می‌کنند. وظیفه من به عنوان مددکار اجتماعی ارائه هشدار است، چون سلامت اجتماعی مردم برای ما اهمیت زیادی دارد. مشاهده خشونت‌ها، چاقو زدن، بریدن سر، تخریب اموال، توهین و تحقیر به شکل‌های مختلف، حتی ما را به عنوان افراد حرفه‌ای ناراحت می‌کند، زیرا نتیجه‌اش خسران نیروی انسانی، خسران منابع مالی، کاهش اعتماد، کاهش سرمایه اجتماعی وکاهش شاخص‌های سلامت اجتماعی و روانی است. اینها مواردی نیست که حکمران بتواند از آن چشم‌پوشی کند.

یقی‌های خاص، کم‌توجهی به مسائل دینی و شرعی و را دارند.

ای نامشروع افتراقی کلواردو الین، اعضای خرده‌فرهنگ رفتاران هستند که در اثر شکاف بین ابزار و اهداف مشروع راه اصلی و نرمال منحرف شده‌اند. اینها، شامل اراذل و ها، بزن بهادرها و اشرار خیابانی هستند که کج‌رفتاری‌هایی سرد، خالکوبی‌های خاص، تکه‌کلام‌ها، الفاظ رکیک و عقاید عمدتا در مقابل فرهنگ مسلط است، بین آنها وجود دارد. ل کم به این پدیده روی می‌آورند، ضمن افتخار به آن، سلسله ای خلافکاری را تاسیس می‌کنند. آنها عمدتا جرایم جنس خانه، دوستی‌های غیرهمجنس‌گرایانه، روابط نامشروع، خاص، پوشش و لباس‌های نامتعارف، رفتارهای خارج از نشستن گروهی بر روی آسفالت در بن‌بست‌های تاریک، ور، درون گعده‌های همسالان (گروه‌های هم‌سن و سال ی در کنار هم جمع می‌شوند)، سیگار کشیدن، استعمال حجابی را دارا هستند.

دات و نتایج تحقیقات میدانی، پدیده دخترانه شدن اراذل و اوباش در بخش‌هایی از مناطق شهری در حال گسترش بوده و لازم است تا دستگاه‌های فرهنگی جامعه به این موضوع ورود کرده و با اقدامات فرهنگی و ایجابی این جریان، ساخت خرده‌فرهنگ تضاد دخترانه را مدیریت کنند، زیراتداوم این روند از طرفی موجب گسترش و رسوخ این خرده‌فرهنگ به نوجوانان دختر مستعد و اشاعه آن در سایر نقاط شهر و بروز آسیب‌های اجتماعی جدید در روابط بین این خرده‌فرهنگ‌ها با سایر اجزای نظام اجتماعی مانند سایر نوجوانان دختر و پسر، همکلاسی‌ها، فروشندگان موادمخدر، پلیس، معلمان و مانند اینها خواهد شد. ضمن این‌که آینده نامطلوبی را برای اعضای این خرده‌فرهنگ انحرافی رقم خواهد زد.

از این رو، لازم است تا در اسرع وقت با استفاده از توان دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی مرتبط، به این پدیده اجتماعی رسیدگی و از تبدیل شدن آن به مسأله انتظامی و امنیتی جلوگیری شود. همچنین از شواهد امر این‌طور به نظر می‌رسد که بروز این پدیده نیاز جدیدی را در حوزه انتظامی و امنیتی درخصوص به‌کارگیری نیروهای پلیس زن آموزش‌دیده برای رسیدگی به جرایم این قبیل خرده‌فرهنگ‌ها پدید آورده است.

